

فصل پنجم

طریقه (۱) دیالکتیکی

۱ - نافی - سالب

A و B سالب یکدیگرند، اگر

$$A > SB \rightarrow SB < A \rightarrow SA < B$$

غیاب یکی حضور دیگری را الزام میکند.

وقتی که یک واقعیت در یک جمله (محدوده) از یک رشته وقوع نیابد، تمام سالب های آن در یک التقائی که نفی واقعیت است، تولید می گردند.

از این تعریف چنین نتیجه می شود که نفی مستلزم نافی (سالب) است. زیرا اگر نافی A را به A' نشان دهیم، داریم:

$$NA < SA < A' \rightarrow NA < A'$$

قضیه ۱: یک واقعیت و نافی آن متناوب اند.

زیرا اگر $SA < A'$ است، پس A و A' سالب یکدیگرند، پس متناوب اند (فصل ۴ شماره ۳) و داریم:

$$AVA' = 1$$

نتیجه منطقی: اگر A و B دو واقعیت مفروض باشند، داریم:

$$A = ABVAB'$$

زیرا

$$BVB' = 1 \rightarrow A = A(BVB') = ABVAB'$$

در حضور یک واقعیت سوم داریم:

$$A = ABC \vee ABC' \vee AB'C \vee AB'C'$$

و قس علیهذا. این اصل طبقه بندی متفرع شنائی است.

گسترش واحد

$$1 = AVA' = AB \vee AB' \vee A'B \vee A'B' = \text{ETC.}$$

قضیه ۲:

$$AB' = 0 \rightarrow A < B$$

$$(AB' = 0) (A = AB \vee AB') \rightarrow A = AB \rightarrow A < B$$

قضیه ۳:

$$A'B'C' = 0 \rightarrow A < BVC$$

$$AB'C' = 0 \rightarrow AB' < C \rightarrow AB \vee AB' < ABVC$$

که در آن:

$$AB'C' = 0 \rightarrow A < (AVC)(BVC) < BVC$$

تعمیم:

$$AB'C'D' = 0 \rightarrow A < BVCVD$$

قضیه ۴:

$$A < B \rightarrow B' < A'$$

با الحاق A' به دو طرف (عضو) $A < B$ داریم:

$$A < B \rightarrow AVA' < BVA' \rightarrow < BVA' \rightarrow BVA' = 1$$

چون B و A' متناوب اند پس سالب یکدیگرند، بنابراین نافی B باید مستلزم A' باشد.

قضیه ۵:

$$N(AVB) \rightarrow A'B'$$

زیرا

$$N(AVB) < s(AVB) = sAsB < A'B'$$

تعمیم

$$N(AVBVC) < A'B'BC'$$

قضیه ۶:

$$N(AB) < A'VB'$$

$$N(AB) < s(AB) = sAVsB < A'VB'$$

تعمیم:

$$N(ABC) < A'VB'VC'$$

۲- نافی ی نافی (سالب سالب)

اگر A دوجنبی (وجهی) و B متمم آن باشد، داریم:

$$SA = B \rightarrow B < A'$$

از طرف دیگر، متمم یک سالب است و چون نافی التقای سالب‌هاست

$$A' < B$$

پس

$$SA = B \rightarrow B < A' < B \rightarrow A' = B$$

نافی یک واقعیت دوجنبی متمم آن است.

پس اگر A دوجنبی باشد:

$$A' = SA = NA \rightarrow AA' = 0$$

برعکس اگر یک واقعیت و نافی آن متقاصر باشند، داریم:

$$(AA' = 0) (AVA' = 1) (AVA' = A + A' - AA') \rightarrow A + A' = 1$$

آنوقت A و A' متمم‌اند.

اگر A یک وجهی باشد:

$$AA' \neq 0$$

یعنی یک واقعیت و نافی آن می‌توانند توأماً وقوع یابند.

اگر A' وقوع نیابد، A'' نافی نافی است که وقوع می‌یابد و داریم:

$$A'VA'' = 1$$

$$NA' < A''$$

قضیه ۱: نافی نافی یک واقعیت مستلزم واقعیت است، زیرا:

$$AVA' = 1$$

واقعیت و نافی آن متناوب اند. پس A یک سالب A' است، و چون نافی مستلزم هر سالب است، داریم:

$$A'' < A$$

و از آنجا نتیجه می شود که:

$$A'' = A''A$$

پس

$$AVA'VA'' = AVA'VA''A$$

و با انجذاب (اخذ)

$$AVA'VA'' = AVA'$$

و از آنجا هم چنین:

$$ABVAB'VAB'' = ABVAB' = A$$

قضیه ۲:

رشته A''', A'', A', A که در آن هر جمله (محدوده) نافی خود را دنبال دارد، فقط سه جمله مشخص دارد: A, A', A'' . زیرا:

$$A''' < A' \quad (\text{بنا به قضیه ۱})$$

از طرف دیگر، معکوساً

$$A'' < A \rightarrow A' < A'''$$

نتیجه:

$$A' < A''' < A' \rightarrow A''' = A'$$

۳ - حلزون لافارگ

از قضیه قبل چنین استنتاج می شود که یک واقعیت معمولاً در موقعیت هسای جدید تکرار می شود.

ابتدا A بوقوع می‌پیوندد، سپس وقتی که A بوقوع نه‌پیوندد، A' بوقوع می‌پیوندد که در موقعیت‌های B واقع می‌شود، یعنی در التقای A'B. سپس A' و B بوقوع نمی‌پیوندند، بلکه A'' و B' واقع می‌شوند که در التقای A''B'C اتفاق می‌افتد و چون:

$$A'' = A''A$$

واقعیت A در AA''B'C دوباره بوقوع می‌پیوندد. سپس بالاخره بترتیب داریم:

$$A'BB''C'D$$

$$AA''B'CC''D'E$$

$$A'BB''C'DD''E'F, \text{ ETC.}$$

و از آنجا لافارگ بدین نتیجه میرسد که سیمای تکامل تاریخی خط مستقیم نبوده، بلکه مارپیچی است که رو به بزرگی میرود:

"و آنوقت مشاهده می‌شود که صورتهای قبلی که تصور میشد جاودانه محسوب شده‌اند دوباره پدیدار می‌گردند. ولی این دوباره پیدائی در اثر توالی مداوم پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی حاصل در جریان حرکت تغییر شکل یافته‌اند".

۴ - ترکیب یک تضاد (۱)

مخالف‌های A و B در واقعیت تام $A+B$ تولید می‌شوند (مجموع اضداد فصل سوم شماره ۲).

اگر واقعیت تام همیشگی است، A و B متمم‌اند و یکی از آنها همیشه وقوع می‌یابد. اگر واقعیت تام همیشگی نیست اتفاق می‌افتد که A و B تولید نگردند، در آنصورت التقای A'B' نافی‌ها وقوع می‌یابد و می‌گوئیم: مخالفت اضداد بوسیله این التقای A'B' (که آنرا ترکیب تضادی مینامیم که التقای AB الزام میکند) پشت سر گذاشته میشود.

ولی

$$A < SB < B' \rightarrow A < B'$$

$$B < SA < A' \rightarrow B < A'$$

پس میتوان گفت که واقعیت‌های مخالف مستلزم عزامل ترکیب (سنتز) تضادشان می‌باشند.

در جدل (دیالکتیک) به آن جمله‌ای از جملات مخالف که نخست حضور می‌یابد نام تز "قضیه" را داده‌اند و در نتیجه جمله دیگر را "نقیضه" (آنتی — تز) نامیده‌اند. تشکیل سنتز (ترکیب = تألیف) بصورت زیر عرضه می‌شود:

قضیه (۱) مستلزم نافی نفی نقیضه است

ترکیب = سنتز

نقیضه (۲) مستلزم نافی قضیه است

۵ - توالی مراحل

یک طریقه دیالکتیکی عبارت از رشته‌ای از مراحل است که هرکدام حـاوی ترکیب‌های (سنتزهای) تضادهای مرحله ماقبل است. تضادهای یک مرحله بوسیله سنتزهای خود در مراحل بعد متجاوز می‌گردند (بمراحل بعد وارد میشوند). این یک قانون تطور است: هر مرحله در معارضات مرحله قبل تولد می‌یابد. قانون بطور جدلی حل این تناقض را که تطور علیرغم و در نتیجه تضادهای خود انجام می‌پذیرد، بدست میدهد.

فرق طریق دیالکتیکی (جدلی) با تسلسل منطقی که تضادها را طرد میکنند در همین جا نهفته است.

ممکن است اتفاق افتد که معارضه‌ای بوجود آید بدون آنکه برای ایجاد یک تغییر قابل مشاهده کافی باشد، ولی در عین حال، تراکم معارضه پارامتری را تولید کند، یعنی عاملی کمی که بتوان آنرا مورد ارزیابی قرار داد. آنوقت ملاحظه خواهد شد که پارامتر (ثابت) از ترازوی نخواهد گذشت که در ورای آن نمو نمی‌کند مگر اینکه متحمل یک تغییر کیفی گردد. این تغییر

بمثابه یک خیز ناگهانی، یک جهش در طریقه تظاهر می‌کند.

مثال کلاسیک تغییر حالت ماده می‌باشد. در عبور از حالت جمادی به حالت میعان، پارامتر درجه حرارت است که تراکم تضاد معارضه هسته‌ای درونسی را اندازه می‌گیرد. درجه حرارت بالا می‌رود تا به نقطه ذوبان میرسد و جسم جامد مایع می‌شود.

عبورهای متوالی ماده به حالت آلی، حالت زنده، حالت حسی و حالت آگاهی، جهش‌های متوالی در یک تراکم طولانی از معارضه‌ها (تضادها) می‌باشند.

دیالکتیک مارکسیستی تطور جامعه را بوسیله نمو نیروهای مولده توضیح می‌دهد که دو نقش اجتماعی را تولید میکنند: تولید و تراکم ثروت. این نقش‌ها میبایستی در تشکیلات اجتماعی کامل گردند و ترکیب شوند.

ولی نیروهای تولیدی مولود تشکیلات نیستند. برعکس، نیروهای تولیدی مصالح لازم را برای تشکیلات فراهم می‌آورند. بعلت عدم تشکیلات ابتدائی، وظایف (نقش‌ها) جداگانه اعضای خود را (ارگان‌ها) ایجاد میکنند که طبقات اجتماعی هستند. تولید توسعه یافته که موجد نمو پایه مادی جامعه است، ممکن نیست مگر بوسیله قربانی شدن توده‌ای انبوه از کارگران بسود ممتازان که تولید اضافی را تصاحب میکنند. این تولید اضافی مولود کار اضافی است که اساس انواع مختلف نحوه‌های استثمار است. در اینجا پارامتر عبارتست از سطحی که نیروهای مولده بدان رسیده‌اند و نیروهائی که در کشورهای پیشرفته از نظر اقتصادی نمو کننده‌اند. ولی در عین حالی که نیروهای تولید در اثر پیشرفت تکنیکی نمونکننده‌اند، صورت مالکیت یک عامل محافظه کار می‌باشد، زیرا مایل است که مزایای طبقه دارنده را تثبیت کند. پازاء هر تراز از نیروهای تولیدی صورتی از مالکیت متناظر است. بالاخره اجباراً "موقعیتی میرسد که نیروهای مولد از چهارچوب صورت مالکیت تجاوز میکنند.

برخوردی که تولید را صورت تراکم معارض میکند، از میان طبقات اجتماعی سر بدر میکند که ارگانهای (اعضاء - اندام) نقش‌های در حال مبارزه‌اند، و جهش‌های طریقه دیالکتیکی را در طول این دوره طولانی که ما در آنیم و انگلس آن را "عصر تقدیر" نامیده، بوجود می‌آورد.